



**BRANDAFARIN JOURNAL OF MANAGEMEMNT**

**Volume No.: 3, Issue No.: 51, Jun 2024**

**P-ISSN: 2717-0683 , E-ISSN: 2783-3801**

---

## **Investigating the relationship between coaching and its approach to politics**

### **Abstract:**

Coaching is a partnership or companionship with clients (the same coach) in a process that stimulates thinking and creativity, to encourage clients to maximize their potential personal and professional abilities; The purpose of this research was to investigate the relationship between coaching and its approach to politics. This research was conducted qualitatively and in a library. Relevant materials were extracted and collected from authentic books and scientific articles; Then different concepts and meanings of politics and coaching have been collected. As a result, it was stated in this research that just as coaching is necessary for every person and job, the world of politics was not and is not separate from the rest of the affairs, and in order to advance political goals and diplomacy, it is necessary to use political coaching for matters related to That process will be better and grow faster.

**Keywords:** coaching; approach; politics

پښتونستان د علومو انساني و مطالعاتو فرېښتې  
پښتونستان د علومو انساني

# بررسی رابطه ی کوچینگ و رهیافت آن با سیاست

مهسا ریسی<sup>۱</sup>

## چکیده:

کوچینگ یک مشارکت یا همراهی با مراجع (همان کوچی) در فرآیندی است که باعث برانگیختن تفکر و خلاقیت شود، برای ترغیب مراجع در به حداکثر رساندن توانایی‌های بالقوه شخصی و حرفه‌ای؛ هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه ی کوچینگ و رهیافت آن با سیاست بود. این تحقیق بصورت کیفی و کتابخانه ای صورت گرفت. مطالب مرتبط از کتب معتبر و مقالات علمی فیش برداری و جمع آوری شدند؛ سپس مفاهیم و معانی متفاوت سیاست و کوچینگ گرد آوری شده است. در نتیجه در این تحقیق بیان شد همان گونه که وجود کوچ برای هر فرد و شغلی لازم است دنیای سیاست نیز جدای از بقیه ی امور نبوده و نیست و جهت پیشبرد اهداف سیاسی و دیپلماسی ضروری است که از کوچینگ سیاسی بهره گرفته شود تا امور مربوط به آن روند بهتر و رشد سریع تری یابند.

**کلمات کلیدی:** کوچینگ؛ رهیافت؛ سیاست.

## مقدمه:

به‌طور مشخص کوچینگ بدون تأثیرگذاری، توان مؤثر واقع‌شدن و تغییر در مراجع را ندارد. بر همین اساس بررسی تأثیرگذاری در فرآیند کوچینگ می‌تواند راه‌گشایی برای درک بهتر و برنامه‌ریزی کاربردی‌تر در امر کوچینگ باشد. **تاریخچه کوچینگ:** کوتس نام روستایی در کشور مجارستان بوده که در قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی در آن روستا کالسکه‌ای راحت و لوکس برای مسافرت، در آن زمان ساخته می‌شده که به همین نام نیز به دیگر کشورها اروپائی از جمله انگلستان، صادر می‌گردید. کم‌کم نام کوتس، در انگلیسی به کوچ تبدیل شد و از آنجائی که این کالسکه در راحتی برای رسیدن به مقصد معرف گردیده بود، در سال ۱۸۶۱ میلادی کلمه کوچ برای رسیدن راحت‌تر به موفقیت، به ورزش نیز وارد شد و دلیل این امر نیز رسیدن آسان‌تر به قهرمانی در مسابقات بود که توسط کوچ با شناخت و تبحر برای افراد برنامه‌ریزی و راهنمایی، می‌گردید. در امر تحصیلات دانشگاهی نیز برای استادانی که در موارد پیچیده و تخصصی دانشجویان را تربیت می‌کردند، از عنوان کوچ بهره گرفته می‌شد. «به کسانی که کمک می‌کنند تا دیگران در یک فرایند خلاقانه با نوع نگرش و نگاه به دنیا و زندگی به توانمندی‌های خویش آگاهی پیدا کنند و با استفاده از توانمندی‌ها به اهداف خویش دست یابند، کوچ اطلاق می‌کنند» (ربانی، ۱۴۰۰). در گذشته و قبل از اینکه کوچینگ به شکل حرفه‌ای خود را معرفی کند در مواقعی که افراد نیازمند کمک برای تحول در امور خود بودند، به افرادی باتجربه در فامیل، دوستان، خانواده و پیران باتجربه مراجعه می‌کردند و یا اینکه به سراغ مشاوران، مدرسان، روانشناسان و کسانی که قبلاً راه آنان را رفته باشند و در همان راه تجربه اندوخته باشند؛ می‌رفتند؛ در این بین خلأی وجود داشت که با حضور کوچ‌ها پر شد. کوچ‌ها زمانی وارد می‌شوند که فرد خواهان تغییر است و نیازمند آن. اما این خواسته فرد، نه به دلیل تخصص نداشتن، یا بی‌تجربگی، و یا به دلیل اختلالات روحی و روانی، مانع دستیابی باشد، بلکه خواهان تغییر نمی‌تواند راه پیشرفت را جستجو و پیدا کند و این در حالی است که به نظر می‌رسد به همه‌چیز علم دارد. در این بین فردی مانند توماس لئونارد که از بنیان‌گذاران حرفه کوچینگ می‌باشد، مهارتی را پدید آورد که این نیاز افراد

Email: Mahsa\_reissi@yahoo.com

<sup>1</sup> - کارشناس ارشد علوم سیاسی.

سالم و متخصص در علوم خودشان را، یاری رساند. از سال ۱۹۹۰ میلادی که کوچینگ در جهان به عنوان حرفه پدیدار گشت، تعاریف مختلفی از این حرفه صورت پذیرفت، این تعاریف در هر یک از دیدگاه‌های مختلف بیان شده است.

**فدراسیون بین‌المللی کوچینگ ICF کوچینگ را چنین تعریف می‌کند:** فرآیندی روش مند، هدفمند و نتیجه‌گرا که در آن شخص تغییر پایدار را در فرد یا گروه دیگری تسهیل می‌کند که از طریق پرورش یادگیری خود هدایت شوند و رشد شخصی کوچی (مراجع) صورت می‌گیرد. در واقع کوچی خود متخصص است و به دنبال جواب گرفتن و یا پاسخ سؤال از کسی نیست. کوچینگ میان‌رشته‌ای است که از علم روانشناسی (خصوصاً روانشناسی انسان‌گرا) فلسفه، علوم شناختی، نوروساینس (علوم اعصاب) مایندفولنس (علم توجه هدفمند به زمان حال) پدید آمده است؛ با توجه به آنچه در این موضوع مرتبط است، بیشتر آشنا شویم.

### تأثیرگذاری در فرآیند کوچینگ

تعریف آقای دکتر جان اولمر از تأثیرگذاری چنین است: تأثیرگذاری مؤثر کلید موفقیت در کار و شادی در منزل است. "تأثیرگذاری هم علم است و هم هنر". از نظر شخص من تأثیرگذاری به دو شکل خاص و عام می‌تواند طرح شود. در شکل خاص افراد و گروه مشخص و محدودی، هدف تأثیرگذاری هستند. در شکل عام، تأثیرگذاری بر روی یک جامع است که این جامع می‌تواند کوچک و یا بزرگ، شهر یا روستا، کشور یا قاره، و یا تمام جهان باشد.

### از نظر زمان نیز می‌توان به دو دسته:

- زمان کوتاه و محدود- زمان بلند یا باز؛ تقسیم گردد. از آنجائی که جامعه و تعریف آن در این نظر مشخص است، از توضیح آن صرف‌نظر می‌کنم، اما موضوع زمان شاید کمی نیاز به توضیح داشته باشد. برای یک محصول یا ایده، مثلاً انتخابات، در یک زمان و دوره مشخص درصد تأثیرگذاری باشید، این بیانگر تأثیرگذاری شما در یک زمان محدود و کوتاه‌مدت خواهد بود. در شرایط دیگر شما برای یک ایده یا عمل فراگیر قصد تأثیرگذاری دارید، مثلاً در موضوع محیط‌زیست، که نه زمان و نه مکان جغرافیایی محدود نمی‌گردد، این نمونه‌ای از همان مقصود من، از تأثیرگذاری بلندمدت و باز است. اهل فن برای تأثیرگذاری مواردی را بیان کردند که بعداً آن‌ها را خواهیم پرداخت، اما به نظر شخص من تأثیرگذاری در فرآیند کوچینگ، نیازمند شناخت از موضوع، شناخت از فرد یا گروه تأثیرپذیر است و باید به اینها، شناخت عوامل و یا خدمات، قوانین و مقررات، عرف و فرهنگ جامعه تأثیرپذیر، نقدها و نگاه‌های مثبت و منفی از محصول و خدمات، اطلاع از نیازها در خصوص محصول یا خدمات در جامعه هدف و ..... را نیز افزود. نکته دیگر دارای اهمیت، داشتن یک برنامه و سناریو بر اساس سؤالات طرح شده در بالاست و همچنین پیش‌بینی وضعیت حاصل از آن و احیاناً داشتن برنامه جانشین یا ترمیمی.

به قول لئونارد داوینچی؛ «دانستن کافی نیست باید عمل کرد» چیزی که در طرح و طراحی ممکن است جذاب باشد در اجرا ممکن است به دلایل مختلف بسیار منفی و دارای نتایج ناخوشایند باشد. اولمر آن را چنین تعریف می‌کنند: «آیا کاری کردید که بر روی دیگران تأثیر منفی بگذارید؟» «من به آن می‌گویم نقطه اثر تأثیرگذاری»؛ «نقطه چرخش تأثیرگذاری وقتی است که می‌خواهید روی دیگران به نفع خودشان تأثیر بگذارید ولی موفق نمی‌شوید. در چرخش تأثیرگذاری اگر به جهت درست بچرخید کار آسان و راحت خواهد شد، اما اگر در جهت اشتباه باشید، کاملاً از مسیر منحرف می‌شوید» علاقه‌مندم به نمونه‌ای از طرح خوب و اجرای بد اشاره داشته باشم و بعد به یک نتیجه‌گیری بپردازم. در شهرداری برای تفکیک زباله از مبدأ طرحی ارائه می‌شود و مورد تصویب قرار می‌گیرد. در طرح پیش‌بینی شده که به پرسنل مجری و شهروندان روش تفکیک زباله آموزش داده شود و همچنین ابزار موردنیاز برای هر دو گروه با آموزش، در اختیار آنان قرار گیرد. اما در عمل هیچ‌یک از دو گروه آموزش لازم را نمی‌گیرند و طرح بر اساس پیش‌بینی زمانی، آغاز می‌گردد. شکست این طرح کاملاً واضح است و علت آن هم اجرای نادرست است. نتیجه اینکه، بدون تأثیرگذاری درست و مثبت بر روی مجریان و مخاطبین طرح، نباید به موفقیت دل بست. حال اجازه می‌خواهم تا مستقیم نظر آقای دکتر اولمر را در هجده بند تأثیرگذاری مؤثر، برایتان بیان کنم.

**نقطه چرخش تأثیرگذاری:** اگر در تأثیرگذاری نقطه چرخش را درست انتخاب نکنید و به سمت اشتباه بپیچید کاملاً از مسیر منحرف شده‌اید و اگر به سمت درست بپیچید کار راحت خواهد بود. -تجزیه و تحلیل منطقی از سودها و زیان‌ها و معایب، و در کنار آن توجه به دیگر عوامل (فرهنگ، قوانین، جامعه هدف، محصول و...) - مدام سؤال کنید و ببینید چه چیزی در تحلیل شما از قلم افتاده است و چه چیزهای دیگری بر روی مخاطب من تأثیر می‌گذارد. - از منابع قابل قبول و معتبر برای اثبات نظر خود استفاده کنید.

**سیاست چیست؟** سیاست، در معنای وسیع کلمه، عملی است که مردم از طریق آن برای جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند قانون گذاری می‌کنند، قوانین شان را حفظ می‌کنند، و در صورت لزوم آن را اصلاح می‌کنند. از این رو، سیاست به صورتی ناگزیر سیاست، در معنای وسیع کلمه، عملی است که مردم از طریق آن برای جامعه ای که در آن زندگی می‌کنند قانون گذاری می‌کنند، قوانین شان را حفظ می‌کنند، و در صورت لزوم آن را اصلاح می‌کنند. از این رو، سیاست به صورتی ناگزیر با پدیده های تضاد و تعاون پیوند دارد. از یک سو وجود نظرات مخالف و رقیب، خواست های متفاوت و نیازهای متضاد، موجب عدم توافق درباره قوانینی می‌شود که مردم تحت آن زندگی می‌کنند؛ و از سوی دیگر، مردم این نکته را نیز تشخیص می‌دهند که برای حفظ و یا تغییر این قوانین، باید با دیگران همکاری و تعاون داشته باشند. شاید به همین دلیل است که می‌توان قلب سیاست را فرایند حل تضادهایی توصیف کرد که در آن، دیدگاه‌ها یا خواست‌های متضاد با یکدیگر آشتی می‌کنند. در این معنای گسترده، سیاست بیشتر تلاشی است برای حل تضاد و نه دستاوردهای آن. یقیناً نمی‌توان همه تضادها را حل کرد. اما در هر حال، حضور اجتناب‌ناپذیر تفاوت‌ها (این که انسان‌ها مثل هم نیستند) و کمبودها (این که هرگز منابع کافی برای برآورده کردن نیازهای همگان وجود ندارد) نشان دهنده آن است که سیاست یکی از وجوه اجتناب‌ناپذیر شرایطی اجتماعی است که انسان در آن زندگی می‌کند (شریفی، 1394).

## مفهوم دیپلماسی<sup>1</sup>

واژه "دیپلماسی" به معنی هدایت روابط بین افراد، گروه‌ها و ملت‌ها از جمله واژه‌های سیاسی مورد استفاده در عرصه مناسبات بین‌المللی است. دیپلماسی (Diplomacy) در کاربرد رسمی خود عمدتاً به دیپلماسی بین‌المللی که هدایت روابط بین‌المللی از طریق دیدار و گفت‌وگوهای دیپلمات‌های رسمی است اشاره دارد. در گذشته دیپلماسی بین کشورها بیشتر به موضوعاتی همچون روابط شخصی و خانوادگی پادشاهان دو کشور یا یکدیگر یا مسئله جنگ و صلح مربوط می‌شد، اما در شرایط کنونی جهان علاوه بر آنها موضوعاتی همچون روابط تجاری، مناسبات فرهنگی و علمی نیز در محور مباحثات دیپلماتیک بین کشورهای مختلف با یکدیگر و بین آنها با سازمانهای بین‌المللی قرار گرفته است. دیپلماسی در واقع مجری سیاست خارجی در چارچوب دکترین سیاست خارجی هر کشور است. دکترین سیاست خارجی یک کشور که معمولاً یک بیان کلی از سیاست خارجی آن محسوب می‌شود توسط رئیس حکومت یا وزیر امور خارجه اعلام می‌شود. اهداف دکترین سیاست خارجی هر کشور ارائه اصول کلی برای هدایت سیاست خارجی و انجام دیپلماسی است. این اصول به رهبری سیاسی یک کشور اجازه می‌دهد تا با وضعیت‌های مختلف پیش آمده به طور مناسب برخورد نماید و رفتار کشور در برابر سایر کشورها را توضیح دهد. اجرای دیپلماسی بر عهده گروهی که "هیأت دیپلماتیک" نامیده می‌شود قرار دارد. این گروه نماینده رسمی کشور فرستنده آنها نزد کشور پذیرنده و میزبان تلقی می‌شوند. وظیفه هیأت دیپلماتیک حفظ منافع دولت و شهروندان کشور فرستنده نزد دولت پذیرنده است. البته این امر در چارچوب مرزهای مجاز توسط حقوق بین‌الملل، انجام مذاکره با مقامات دولت طبق اصول مشخص شده توسط دولت فرستنده و از طریق سایر شیوه‌های قانونی که دولت پذیرنده آنها را به رسمیت شناخته صورت می‌گیرد. هیأت دیپلماتیک یک کشور نزد کشور دیگر تمامی فعالیت‌های خود را که برای تقویت روابط دوستانه بین دو کشور و نیز توسعه مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بین آنها انجام می‌دهد به دولت متبوع خود گزارش می‌کند. ریاست هیأت دیپلماتیک یک کشور در کشور دیگر نیز بر عهده سفیر یا کنسول است. یکی از نکات مهم در مناسبات دیپلماتیک بین کشورها با یکدیگر و یا بین آنها با سازمان‌های بین‌المللی به رسمیت شناخته شدن مصونیت دیپلماتیک برای سفیر و سایر اعضای کادر دیپلماتیک است. در این چارچوب دولت میزبان به سفیر یا کنسول به عنوان رئیس هیأت دیپلماتیک در یک کشور دیگر اجازه می‌دهد تا بخشی از خاک کشور او را که سفارتخانه یا کنسولگری نامیده می‌شود اداره کند. همچنین مکان، کارمندان و حتی خودروهای هیأت دیپلماتیک نیز در برابر بسیاری از قوانین کشور پذیرنده از مصونیت برخوردارند. مصونیت دیپلماتیک یک نوع مصونیت قانونی است که کشورها به منظور تضمین انجام وظایف هیأت‌های دیپلماتیک بدون نگرانی از تحت تعقیب قرار گرفتن توسط کشور میزبان به آنها اعطا می‌کنند. اگرچه این نوع از مصونیت از سابقه دیرینه‌ای در حقوق بین‌المللی برخوردار است اما در سال ۱۹۶۱ با امضای کنوانسیون روابط دیپلماتیک وین به صورت اصول موضوعه حقوق بین‌الملل درآمده است.

<sup>1</sup> Diplomacy

## کوچینگ روابط دیپلماتیک

کوچینگ رابطه به معنی ارتقا روابط انسانی است که روند ارتباط بین افراد را بهبود می‌بخشد. با این کوچینگ فرد می‌تواند جهت مدیریت تغییرات، حل تعارض‌ها، ارتقا کیفیت روابط اجتماعی و حرفه‌ای خود، بهترین راه حل را پیدا کند. با کوچینگ رابطه، می‌توان با بررسی درست چالش‌ها، از خود و دیگران درک درستی داشت تا در نهایت کیفیت ارتباطات حرفه‌ای، اجتماعی و عاطفی بهبود پیدا کند. همچنین باعث می‌شود که افراد رفتار، مهارت و نگرش خود را بهبود دهند و کوچ با استفاده از تجربه و تخصص خود، فرد را جهت داشتن رابطه مثبت راهنمایی می‌کند. با کوچینگ رابطه فرد می‌تواند نیازها، تفاوت‌ها و خواسته‌ها را بشناسد و در نتیجه مهارت اجتماعی بهبود پیدا می‌کند.

### کوچینگ روابط دیپلماتیک به چند شکل صورت می‌گیرد؟

مهارت‌های کوچینگ رابطه به دو شکل حرفه‌ای و کوچینگ توسعه فردی یا شخصی ارائه می‌شود، در روش حرفه‌ای، کوچ‌ها با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌ها، به افراد جهت ارتقا رفتارشان کمک می‌کنند. این کوچینگ اصولاً در محیط‌های کسب و کار برگزار می‌شود. کوچینگ شخصی، باعث بهبود روابط شخصی افراد خواهد شد. در این صورت کوچ، بر حسب چالش‌های شخصی، جهت بهبود روابط بهتر راهکارهایی را ارائه می‌دهد. به طور کل، با وجود بی‌زینس کوچینگ، ارتباطات در سطوح مختلف بهبود پیدا کرده و روابط سالم برقرار می‌شوند.

### اهداف کوچینگ روابط دیپلماتیک

کوچینگ روابط دیپلماتیک روابط بین طرفین را تقویت داده و باعث می‌شود افراد در روابط خود به نتیجه خوبی برسند و ارتباطی سالم و صمیمی داشته باشند. اهداف کوچینگ رابطه، شامل موارد زیر است:

- بهبود ارتباطات: ایجاد ارتباط صمیمی با دیگران به صورت‌های مختلف، در روابط عاطفی تا روابط در جامعه، از اهمیت زیادی برخوردار است و کوچینگ رابطه، کمک می‌کند تا ارتباط موفق و عمیقی با دیگران داشته باشید.
- فهم بهتر مسایل سیاسی
- درک و پذیرش تکنیک‌های کاربردی در ارتباطات سیاسی
- برطرف کردن چالش در تعارض‌ها: مسائل و مشکلاتی که در روابط ایجاد می‌شوند با کوچینگ، رفع خواهند شد.
- بهبود ارتباط و همبستگی: کوچینگ رابطه اعتماد به نفس را بالا برده و باعث می‌شود فرد بهتر بتواند به دیگران اعتماد کند. به علاوه باعث ارتقا همبستگی و ایجاد ارتباط نزدیک با دیگران خواهد شد.
- پیشگیری از تنش‌ها: با وجود آن زوجین می‌توانند تنش‌های رابطه خود را بشناسند و راه‌حلهایی جهت رفع آن‌ها پیدا کنند. همچنین جلوگیری از چالش‌های آتی را ارزیابی خواهند کرد.
- توسعه مهارت ارتباطی: با کوچینگ مهارت‌های ارتباطی همچون به اندازه کافی و به طور صحیح نظر دادن، گوش دادن فعال، ارتباط بدون چالش و غیره را می‌آموزند.

### کوچ روابط دیپلماتیک

کوچ روابط دیپلماتیک، شخصی متخصص و حرفه‌ای است که بر اساس تجربه و مهارتی که دارد، در رابطه عاطفی و شخصی به دیگران کمک می‌کند تا روابط خود را بهبود بخشند. کوچ رابطه دارای ویژگی‌های زیر است:

- دارای تخصص: کوچ رابطه علم و تجربه کافی در حوزه روابط انسانی، دینامیک روانشناسی داشته و با تخصص خود جهت بهبود روابط، استراتژی‌ها و راه‌حل‌های مناسب را ارائه می‌دهد.
- شناخت و ارتباط: کوچ روی مشکلات تمرکز کرده و به صحبت‌های فرد مورد نظر گوش می‌دهد، سپس روابط فرد را بهبود می‌بخشد.

- مشخص کردن اهداف و برنامه ریزی: به فرد یاد می‌دهد تا هدفش را در ارتباط با دیگران بشناسد و جهت رسیدن به هدف، برنامه ریزی عملی ایجاد کند.
- مشاوره و راهنمایی: کوچ راهنمایی‌ها و مشاوره‌های کاربردی را ارائه می‌دهد تا فرد در حین روبرو شدن با چالش‌ها به طور صحیح تصمیم بگیرد.
- بهبود مهارت ارتباطی: با وجود او، فرد می‌تواند مهارت ارتباطی مانند، گوش دادن فعال، گفتگو، حل تعارض، به درستی اظهار نظر دادن و غیره را بهبود بخشد.
- برطرف کردن چالش‌ها و تعارض‌ها: مهارت لازم جهت رفع چالش، تعارض‌ها و تنش‌ها را به فرد می‌دهد .
- توجه به روابط عاطفی: با وجود کوچ رابطه، افراد از عواطف و احساسات خود به درک بهتری می‌رسند و می‌توانند ارتباط عمیق و عاطفی برقرار کنند.
- استفاده از تجربه: با استفاده از تجربیات خود، به افراد مشاوره می‌دهد تا در روابط خود مسیرهای نادرست و خطاها را بشناسد و بهترین نتیجه در این راه را کسب کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تعریف کوچینگ که در ابتدا مورد اشاره قرار گرفت، جهت اجرای یک ارتباط با تأثیرگذاری در فرآیند کوچینگ، نگرش و آگاهی، و همچنین کشف توانمندی افراد، ایجاد ارتباط مؤثر، لازم و بدیهی به نظر می‌آید. چراکه بدون آگاهی از تکنیک‌های ارتباط مؤثر امکان برقراری ارتباط و گفتگو و جلب اعتماد و نظر مراجع، دستیابی به هیچ‌یک از اهداف میسر نخواهد بود و چه بسا در جلسات ابتدائی در ارتباط با مراجع به بن‌بست برخورد کرد.

### منابع و مأخذ:

عضدانلو، حمید، (1389)، سیاست و بنیان‌های فلسفی اندیشه سیاسی، تهران: نشر نی، چاپ اول.

### References

- Bull, H. (1972). *The Theory of International Politics, 1919–1969*, Oxford University Press, London.
- Bull, H. (1977). *The anarchical society: a study of order in world politics*, New York: Columbia University Press.
- Cooper & Thakur (2003). *Enhancing Global Governance: Towards a New Diplomacy?* PUBLISHER: United Nations University Press.
- Cooper, F., & Hocking, B. (2000). Governments, Non-governmental Organisations and the Recalibration of Diplomacy, *Global Society*, 14(3), 361-376.
- Copeland, D. (2009). *Guerrilla Diplomacy: Rethinking international relations*, United States, Boulder: Lynne Rienner.
- Dougherty, J. E., & Pfaltzgraff, R. (2001). *Contending Theories of International Relations*, New York San Francisco Boston.
- Dunn, D. (1996). *Diplomacy at the Highest Level: The Evolution of International Summitry*, New York: St. Martin's Press.

- Eizenstat, S. E. (2004). Nongovernmental Organizations as the Fifth Estate, *Seton Hall Journal of Diplomacy and International Relations*, 15-28
- Forsythe, D. P., & Coate, R. A. (2013). *The United Nations and Changing World Politics*, Boulder: Westview.
- Ghasemi, F. (2012). *Diplomacy and international relations*, Tehran, Mizan, Second Edition. ]In Persian[
- Ghavam, A. (2001). *Principles of Foreign Policy and International Policy*, Tehran, Samt Published. ]In Persian[
- Ghavam, A. (2005). Modern diplomacy, media diplomacy, *Journal of Law and Politics*. No.17, 7-18. ]In Persian[
- Goldstein, J., & Pevehouse, J. (2006). *International Relations*, New York: Pearson Longman.
- Goldstein, J., & Pevehouse, J. (2013). *International Relations*, New York: PearsonLongman.
- Hamilton, K., & Langhorne, R. (2011). *The Practice of Diplomacy – Its evolution, theory and administration*, Second edition, New York, Routledge.
- Hocking, B. (2004). Privatizing Diplomacy? *International Studies Perspectives*, 5(2), 147-152.
- Holsti, K. J. (2004). *Taming the Sovereigns: Institutional Change in International Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Jackson, R. (2002). Martin Wight's thought on Diplomacy, Publisher: Routledge, part of the Taylor & Francis Group, 13(4), 1-28.
- Jackson, R., & Sørensen, G. (2014). *Introduction to International Relations: Theories and Approaches*, Translation by Dr. Mehdi Zakarian, Ahmad Taghizadeh and Hossein Saeidkalahi, Publishing mizan. ]In Persian[
- James, A. (1999). Cited in Paul Sharp, *For Diplomacy: Representation and the Study of International Relations*, *International Studies Review*, 1(1), 33-57.
- Kaufmann, J. (1998). *The Diplomacy of International Relations: selected writings*, The Hague: Boston: Kluwer Law International.
- Kegley, CH. (2006). *World Politics*, 10th ed. Belmont, Calif: Wadsworth/Thomson Learning.
- Kramarenko, G., & Krutskikh, A. (2003). Diplomacy and the Information Revolution, *International Affairs*, 49(5), 115-123.
- Langhorne, R. (2000). Full Circle: New principles and old consequences in the modern diplomatic System, *Diplomacy and Statecraft*, 1(1), 33-46
- Lee, D., & Hudson, D. (2004). The old and new significance of political economy in diplomacy, *Review of International Studies*, 30(1), 343–360.
- Lispon, C., & Snidal, D. (2001). The Rational Design of International Institutions, *International Organization*, 55(4), 761-799.
- Lobe, J. (2003). US Conservatives Take Aim at NGOs, Available at: <https://www.globalpolicy.org/component/content/article/176/31332.html>
- Mearsheimer, J. (1994/95). The False Promise of International Institutions, *International Security*, 19(3), 5-49.

- Melissen, J. (1999). *Innovation in Diplomatic Practice*, New York: Macmillan.
- Moazzami Goudarzi, M. H. (2009). New diplomacy, Events and Analysis, 183, 32-36. ]In Persian[
- Morgenthau, H. J., & Thompson, K. W. (2005). *Politics Among Nations*, Published by McGraw-Hill Educatio.
- Moshirzadeh, H. (2010). The development of theories of international relations, Tehran, Samt, Fifth Edition. ]In Persian[
- Mujtahedi, M. R. (1999). Diplomacy and its historical evolution, the researcher-philosophical, Journal of Literature and Human Sciences, Tabriz University, 169, 103-128. ]In Persian[
- Nikayin, E. (2009). Public diplomacy, a new approach in international relations, foreign policy journal, 23(2), 362-394. ]In Persian[
- Petito, Danielle S. (2001). *Sovereignty and Globalisation; Fallacies, Truth and Perception*, New York Law School Journal of Human Rights, 17(3), 1139- 1172.
- Pigman, G. (2010). *Contemporary Diplomacy- Representation and communication in a Globalized World*, United Kingdom, Polity Press.
- Rana, K. (2000). *Inside Diplomacy*, Manas: New Delhi.
- Riordan, S. (2003). *The New Diplomacy*, Cambridge, polity.
- Schuman, F. (1952). *The Commonwealth of Man: an Inquiry into Power Politics and World Government*, New York: Alfred A. Knopf.
- Shafi'i, N., & Zamanian, R. (2011). Theories of foreign policy from the perspective of realism, liberalism and constructivism, Journal of Political Economy, 285, 114-129. ]In Persian[
- Sofer, S. (1988). Old and New Diplomacy, Review of International Studies, 14(3), 1-12.
- Vahidi, M. A. (2008). Change the nature of international politics and the transformation of diplomacy, foreign policy journal, 21(2), 357-381. ]In Persian[
- Wall, T. (2005). Scotland Waits For July Riots, New Statesman, 134(4).
- Watson, A. (1991). *Diplomacy: The Dialogue between States*, London, New York, NY: Routledge.
- Wendt, A. (1992). Anarchy is what stutes make of it: the social construction of power politics, international organization, 46(2), 391-425.
- Whaites, A. (1998). Viewpoint NGOs, civil society and the state: avoiding theoretical extremes in real world issues, Development in Practice, 8(3), 343-349.